

ردیابی ادبی و تالیفات امریکای جنوبی

نوشته فرناندو آین سا

دوم و سوم تو سری خورده‌ها را مردم می‌شناختند، در حالی که هاله‌ای مرموز در اطراف ویرایش اول گمشده پدیدار شده بود. خوشبختانه در اثر پشتکار یک محقق آمریکایی به نام استانسلی ر. روب سری ناقصی از ال پاسو دل نورت در یک مجموعه شخصی در سال ۱۹۷۹ کشف شد.

تنها در این هنگام بود که قسمت عمده متن اصلی تو سری خورده‌ها در دسترس عموم قرار گرفت و امکان مقابله ویرایشهای مختلف و انتشار ویرایش انتقادی که تغییرات مهم را نشان می‌داد فراهم آمد. سوی علاقه علمی تنها نسبت به یک چنین امر مهمی، پژوهشگران فرصت بسیار مناسبی یافته بودند تا به مطالعه مسیر پیدایش متن پرداخته، ویرایشهای مختلف را از نظر زبانشناسی و علائم و نشانه‌ها با هم مقایسه کنند. موقعیتی که مفسرین ادبی و متخصصین «آزولا شناسی» از آن استقبال کردند.

سرگذشت تو سری خورده‌ها به سایر آثار ادبی آمریکای جنوبی بسیار شباهت دارد. در آنها نیز تمام دستنوشته‌ها، پیش‌نویسها و یادداشتهای ساده‌ای که مسیر خلاقیت نویسنده را نشان می‌دهد ناپدید شده است. همچنین نمونه‌ای است از سر در گمی که در ویرایشهای مختلف در اثر ضبط مکرر اشتباهات و تلفظ‌های غلط ویرایش اول، بدون اینکه شخصی متن

کلمات و نقطه‌گذاری اثر را تصحیح کرد. پس از اینکه توستری‌خورده‌ها به عنوان «رمان انقلاب مکزیکی» شناخته شد، آزولا تصمیم گرفت به شکلی گسترده از نو به نگارش آن بپردازد. در ویرایش ۱۹۳۸، شخصیت جدیدی ارائه کرد به نام والدراما که حالتی از مزاح و شوخی را وارد متن جدی می‌کرد. تصویرساز مانوی (Manichean) ژنرال انقلابی بانجوویلا را تعدیل کرد و تغییرات عقیدتی عمیقی در رفتار سایر شخصیت‌ها مانند لوئیس سروانتس بدبین به وجود آورد. رمانی که در زمان خشم و هیاهوی انقلاب نوشته شده بود بیشتر به صورت انعکاس دوری از تاریخ مکزیکی در آمد. زمانه عوض شده بود. انقلاب رسمیت یافته بود و مقام ماریانو آزولا دیگر به عنوان نویسنده تثبیت شده بود.

در این زمان روزنامه‌ای که نوشته اصلی آزولا در آن منتشر شده بود به کلی نایاب شد. با کمال تعجب هیچ اثری از آن حتی در امریکا به چشم نمی‌خورد و یک نسخه از آن را هم نگهداری نکرده بودند. به این ترتیب مدت زمانی بیشتر از شصت سال فقط ویرایش

در سال ۱۹۱۵ و در اوج انقلاب مکزیکی، نویسنده‌ای به نام ماریانو آزولا، در یک روزنامه گمنام در الپاسو، شهری در مرز تکزاس آمریکا، سریالی (مجموعه‌ای) منتشر کرد. در همان زمان که برای روزنامه الپاسو دل نورت می‌نوشت، داستانهایش بیانگر پیشرفت‌های انقلاب بود. پس از چند ماه قسمتهایی از آن مجموعه را گردآوری کرد و بصورت یک رمان آن را عرضه داشت که از همان سال ۱۹۲۵ با عنوان توستری‌خورده‌ها در زمره ادبیات کلاسیک سده بیستم امریکای جنوبی شناخته شده است.

سرگذشت توستری‌خورده‌ها

از این رمان ویرایشهای مختلفی منتشر شده و تا سال ۱۹۸۳ بیش از یک میلیون نسخه از آن به فروش رسیده است. اما متن آن به کرات دستخوش تغییر قرار گرفت. آزولا رمان کوتاه اصلی را در جایی که در طول زندگی منتشر شد مورد تجدید نظر قرار داد و به تفصیل آن پرداخت. بهنگام مرگش در سال ۱۹۵۲ و در سن ۷۹ سالگی، او دیگر نویسنده مشهوری بود. اما چاپ قطعی رمان او بالاخره در سال ۱۹۵۸ منتشر شد. آزولا در ویرایش ۱۹۲۰، افعال را از زمان حال به گذشته برگرداند، صفتها را تغییر داد و املا و نسحو

تصویر روی جلد ویرایش انتقادی داستان لاکارتا (واگون) اثر انریکو اموریم، نویسنده اورگونه‌ای، که اخیراً در مجموعه آرشیو منتشر شده است. تجزیه و تحلیل آرشیوهای نویسنده بیانگر بیش از ۱۵۰۰ اختلاف بین نخستین و ششمین ویرایش این داستان است.



اصلی را بررسی کند، می‌تواند به وجود بیاید - بررسی متن اصلی هم همیشه مقدور نیست.

ارزیابی مجدد سزار والخو

یکی از نمونه‌های بارز در این مورد شاعر پروتی سزار والخو است که اگر چه یکی از چهره‌های مهم ادبیات آمریکایی جنوبی است، ولی کارهای او سرنوشت پیچیده‌ای داشته‌اند. دو مجموعه شعر او که در زمان حیاتش منتشر شد منادی سیاه پوست (۱۹۱۸) و ترلیس (۱۹۲۲) به سرعت به فراموشی سپرده شدند.

تجدید جایها و جُنک‌هایی که پس از مرگ زودرس او در سال ۱۹۳۸ منتشر شد همگی پر از اشتباه بود. به خاطر نظم و ترتیب دلخواه [اشعار] توسط ناشر و بی‌دقتی او در انتخاب عناوین، مانند مورد اشعار انسانی (۱۹۳۹)، کارهای والخو به شکلی تحریف شده و ناقص عرضه شد.

مضافاً، همانطور که غالباً بر سر اموال نویسندگان بین وارث ایشان کشمکش ایجاد می‌شود، حسادت زنانه بیش از حد بیوه والخو باعث شد بیشتر آثار شاعر برای مدت سی سال منتشر نشده باقی بماند. در سال ۱۹۶۸ که والخو به شهرت بیماندی دست یافته بود، بیوه او با انتشار آثارش موافقت کرد. باز هم ترتیب زمانی و عنوان دلخواه به کار برده شد؛ اشعار منثور، مشکلات فقط اینها نبود. در سال ۱۹۸۴ پس از مرگ بیوه والخو، سایر نسخه‌های تایپ شده و دستنوشته‌های اصلی که در تصاحب او بود به صورتی اسرارآمیز ناپدید شد. قصه والخو سر دراز داشت. چند سال پیش، نخستین ویرایش اشعارش که از جنگ داخلی اسپانیا متأثر بود، با عنوان اسپانیا این فوجان را از من بگیر که بسیاری بر این باور بودند که در سال ۱۹۳۹، هنگام شکست جمهوریخواهان مفقود شده، در صومعه مونتا سرا در کاتالونیا پیدا شد.

با وجود عواملی این چنین غیرقابل اعتماد و ناقص پیگیری روند پیشرفت کار در آثار والخو بسیار مشکل بود. موجود نبودن پیش‌نویسها، یادداشتها، دستنوشته‌ها و نوشته‌های اولی، انجام بررسی کامل مسیر پیدایش اثر را - به آن صورتی که در مورد سایر نویسندگانی که یادداشتهاشان را در اختیار کتابخانه ملی فرانسه قرار داده‌اند - غیرممکن ساخته بود. امپا می‌شد درباره مشخصه‌های درونی اثر والخو یک بررسی زبانشناسی و سیر تکوینی به عمل آورد که تا حدودی فراتر از حدس و گمان باشد. یک گروه بین‌المللی به سرپرستی ناقدی به نام انریکو فراری موفق شد با در نظر گرفتن موضوعات تکرار شده و سیر پیشرفت سبک، ساختمان جُنک‌های موجود را در هم ریخته به ساختن یک ترتیب زمانی تقریبی پردازد که در نتیجه آن کارهای منتشر نشده شاعر نمایان شده



خوزه لزامالیمیا (۱۹۷۶ - ۱۹۱۲)، نویسنده کوبایی، ویرایش انتقادی داستان او با نام بهشت در مجموعه آرشیوها منتشر شده است.

ارتباط آنها با کل اثر مشخص می‌شود. به دنبال این کار بایستی به ارزیابی دوباره متن انتقادی پردازند.

بهشت باز یافته

نویسنده کوبایی خوزه لزامالیمیا هم وضعیتی مشابه این دارد. اولین ویرایش رمان حجیم او با نام بهشت پر از اشتباهات چاپی بود، و چون خود نویسنده نسخه‌های حرفه‌چینی شده اثر را غلط‌گیری کرده بود، برای مدت چندین سال همه فکر می‌کردند که اشتباهات عمدی و کار خود نویسنده است. هفتاد درصد از اشتباهات را که در نتیجه بی‌دقتی نویسنده پیش آمده بود به سبک او نسبت می‌دادند و به استفاده زیاد از حد از نقل‌قولها و ارجاعات و نقطه‌ها و برگ‌گولها که به گفته طنزآمیز خود او «با آهنگ تنفس آسمی خود» در متن پراکنده بود تا بر اساس قواعد مرسوم دستوری.

پس از چند سال قرار شد ویرایش دوم در مکزیک به سرپرستی نویسنده‌ای به نام خولیو کورتازار در جهت تصحیح اشتباهات بی‌شمار ویرایش ۱۹۶۶ کوبا منتشر گردد. اما مشکل جدیدی پیش آمد. چون دستنوشته اصلی در دسترس نبود که با آن متن را مقابله کنند اشتباهات جدیدی توسط ناشران پیش آمد و باعث شد در سبک ویژه لزامالیمیا آنقدر تغییر حاصل شود که معنی برخی از عبارات به کلی عوض شد و املائی نام اشخاص و اماکن را که خود نویسنده به حمد تغییر داده بود تصحیح کردند. لزامالیمیا هم خود به این مسئله چندان توجهی نداشت. نامه‌های ناشر را به این بهانه که مقابله نسخه‌های حرفه‌چینی شده با دستنوشته او را خسته می‌کند بی‌جواب گذاشت.

پس از گذشت بیست سال متن منتشر شده با دستنوشته‌هایی که در اختیار کتابخانه ملی خوزه مارتی در هاوانا قرار داده شده بود مقابله شد. این مهم توسط دوست قدیمی لزامالیمیا، سینتیو ویتیر شاعر انجام گرفت و به انتشار متن قطعی بهشت منتهی شد. نسبت به متن دقیق و انتشار آن ابراز علاقه و تشکرات بسیاری دریافت شد و در قضاوت‌هایی که در گذشته نسبت به این رمان ابراز می‌شد تجدید نظرهایی بعمل آمد.

این سه نمونه آرزولا، والخو و لزامالیمیا اهمیت استفاده از یک روش شناسی مناسب را جهت بررسی مسیر پیدایش متون ادبی در مناطقی مانند آمریکای جنوبی و کارائیب نشان می‌دهند، کشورهایی که در آن نسبت به حفظ و حراست و ارزیابی و بررسی دستنوشته‌ها و صورتهای مختلفی که ممکن است در فاصله هر ویرایش از یک اثر وجود داشته باشد توجه کافی مبذول نمی‌شود. کشورهایی که در آن به دستنوشته‌های ادبی به اندازه اسناد تاریخی اهمیت نمی‌دهند و در تعداد معدودی از این کشورها کتابخانه ملی دارای بخش خاصی است مربوط به حفظ و حراست آرشیوهای نویسندگان و تحقیق درباره این آرشیوها.

۲۹ سال از ویرایش اول تا متن انتقادی

نمونه جالب در این مورد آرشیوهای ادبی کتابخانه ملی اوروگوئه است که خوشبختانه موفق شد ویرایش دقیق لاکارتا (واگن) اثر انریک اموریوم را تهیه کند. در این جا مسئله به کل با مشکلی که کار سزار والخو ایجاد کرد تفاوت دارد، زیرا بیوه اموریوم، استرهادو تمام یادداشت‌های شخصی شوهرش را که بسیاری از آنها به تألیفات او مربوط می‌شد، اهدا کرده بود. در میان این یادداشتها به اندازه کافی دستنوشته، پیش‌نویس، نقشه، نسخه‌های تایپ شده‌ای که با قلم تصحیح شده بود و متون منتشر شده (ویرایشهای مختلف رمان) و یک پوشه بزرگ در مورد مسائل مربوط به لاکارتا مانند مکاتبات و عکس‌العملهای منتقدین وجود داشت که بایستی تمام اینها رده‌بندی و تفسیر شود.

تحلیل این عوامل باعث شد تا حقایق دیگری روشن شود. رمان اموریوم که در سال ۱۹۳۲ منتشر شده بود عبارت بود از مجموعه چهار داستان کوتاه که بین سالهای ۱۹۲۳ و ۱۹۲۷ انتشار یافته بودند. نخستین آنها لاس کینتاندرا «بذر اصلی» و یا «هسته مرکزی» رمان را در برداشت، لذا تمام حصرهای نویسنده، نامه‌ها و بحثهایی که به خاطر انتشار آن پیش آمد در بررسی پیدایش متن اهمیت اساسی داشت. با وجود موفقیت رمان و اینکه دو ویرایش اولی به سرعت به فروش رفت، اموریوم از ساختمان لاکارتا چندان

رضایت نداشت و بر این عقیده بود که بیش از اندازه به داستانهای کوتاه اصلی وابسته است. بعد از دو سال ترتیب فصلها را عوض کرد و برای دستیابی به تمامیت بیشتر به تغییر سبک پرداخت و سپس یک ویرایش سوم تجدیدنظر شده از آن را منتشر کرد.

آموریم با وجود اینکه هنوز از لاکارتا راضی نبود همزمان به نوشتن رمانها و داستانهای دیگر پرداخت و آنها را منتشر کرد. وسواس او در مورد نخستین رمانش که آن را ناقص و ناتمام می پنداشت باعث شد تغییرات بیشتری در متن هر ویرایش به وجود آورد. در سال ۱۹۴۲ حتی یک فصل جدید به آن افزود که سال پیش تحت عنوان کارتا سولیتاریا خود به صورت یک داستان مستقل منتشر کرده بود. بالاخره در سال ۱۹۵۲ بود که ویرایش ششم و متن انتقادی اثر منتشر شد. به همان اندازه که ساختمان بسووارد و پکوشه گوستاو فلوربر را درگیر کرده بود، رمان آموریم هم که از پیوستن قطعات مجزا به یکدیگر تشکیل شده و مدت طولانی از عمر نویسنده را به خود مشغول کرده بود مورد توجه نویسنده قرار گرفت.

بیش از ۱۵۰۰ اختلاف بین نخستین و آخرین ویرایش لاکارتا و در طی این دوران ۲۵ ساله مسیر پیدایش آن به وجود آمده است. سیاهه این تغییرات جالب توجه است. زیرا توجه به ویرایش قطعی سال ۱۹۵۲ و به سابقه آن یعنی داستان کوتاه ۱۹۲۳ امکان

بررسی تکاملی اثر را فراهم می سازد.

تناقض لاکارتا در این است که ویرایش انتقادی اثری که کامل نیست اما به سختی روی آن کار شده است جالبتر از ویرایش انتقادی اثری است که ظاهراً کامل است اما در یک زمان نوشته شده است. آموریم می توانست با فیلسوف آلمانی همدستان باشد که می گفت «یک اثر تمام شده برای یک نویسنده بزرگ، از قطعاتی که تمام دوران عمرش روی آن زحمت می کند اهمیت کمتری دارد.»

گزارش روزانه کورتازار

بررسی انتقادی پیدایش متن ادبی در امریکای لاتین که در آن مجموعه آرشيوها* به عنوان عامل محرک نقش اساسی را ایفا می کند، نویسنده ای را نشان می دهد که بدون خواسته خود و به شکلی تصادفی مواد بی نظیری در اختیار پژوهشگران قرار داده است.

بازی کودکانه لی لی (به اسپانیولی رایولا) الهام بخش ساختار و عنوان رمان خولیو کورتازار نویسنده آرژانتینی بود. طرحهایی از این بازی که دو نمونه آن در این تصویر آمده در سراسر رمان او پراکنده است که برگرفته از همان گزارش روزانه به هنگام نگارش رمان می باشد.

این نویسنده خولیو کورتازار آرژانتینی است. در هفتم نوامبر ۱۹۵۸ که نگارش داستان رایولا (لی لی)، ۱۹۶۳ را آغاز کرد تصمیم گرفت نوعی دفتر خاطرات روزانه از روند خلق آن درست کند و عنوان با مسعای روزنامه رایولا را برای آن دفتر برگزید. در آن دفتر در طرح برخی از صحنه ها نام شخصیتها و حوادث بعدی را به همراه طرحها و نمودارها و همه آنچه نشان دهنده مسیر پیشرفت رمانی بود که خیال داشت در پنج سال آینده منتشر کند قرار داد.

اما با انتشار رایولا در سال ۱۹۶۳ کار این گزارش روزانه به پایان نرسید. درست پس از گذشت بیست سال در ۱۹۸۳ گزارش روزانه رایولا در بوئنوس آیرس انتشار یافت که به نوبه خود وسیله ای شد برای بررسی سیر پیدایش متن.

بررسیهایی از این دست خواه روی دستنوشته های ناقص باشد و خواه بر اساس دستنوشته هایی که به دقت از آنها مراقبت شده، آرشيوهای ادبی پراکنده را در برگیرد، یا آرشيوهایی که به مجموعه های شخصی و یا عمومی واگذار شده اند، در هر صورت بیش از پیش توجه کشورهای امریکای جنوبی و کارائیب را

به خود جلب کرده است. کشورهایی که «فریاد هریشان» به خاطر حراست از میراثی به آسمان بلند است که نوشته پایه های مهم آن را تشکیل می دهد.

* پنج مورد ذکر شده در این مقاله از اولین بررسی پیدایش متون و روند خلق آثار در کشورهای امریکای لاتین برداشته شده، که «مجموعه آرشيوها» آن را میسر ساخته است (ر.ک. مقاله ص ۸).

فرناندو آیین سا، نویسنده اورگوئه ای، در یونسکو به کار اشتغال دارد. مقالات و داستانهای زیادی نوشته است از جمله: در جستجوی ناگجا آباد و هویت فرهنگی اسپانیولی زبانان امریکا در داستانهای آنها. او مدیر ویرایش انتقادی داستان لاکارتا (واگون) اثر انریکو آموریم بود که در مجموعه آرشيوی منتشر شده است.

